

چیستی حکمرانی محیط‌زیستی!

ناتوانی الگوها یا مدل‌های سنتی برای پاسخگویی به فرآیندهای پیچیده و پویایی تصمیم‌گیری عمومی معاصر، موجب حرکتی در بخش دولتی شد؛ حرکتی که در طی دهه ۱۹۹۰ از تأکید صرف بر کیفیت ارائه خدمات و حفاظت به تأکید بر حکمرانی محیط‌زیستی رسید. با این وجود، واژه‌های معدودی را می‌توان در محیط‌زیست به اندازه حکمرانی محیط‌زیست مبهم یافت.

زمانی که می‌خواهیم کیفیت حکمرانی محیط‌زیست را ارزیابی کنیم، باید درک مناسبی از اجزا و عناصر آن داشته باشیم. با این حال می‌توان گفت هر یک از معیارهای حکمرانی محیط‌زیستی خوب به گونه‌ای در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید بسیار بوده است و در عرصه عمل نیز شاهد بهبود (هرچند همراه با فراز و نشیب) شاخص‌های حکمرانی محیط‌زیستی خوب پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون هستیم، ولی در عین حال در مقاطعی از این دوران شاهد برهم خوردن تعادل در حوزه حکمرانی بوده‌ایم که عوارض خود را در بخش محیط‌زیست نشان داده است.

مفهوم حکمرانی محیط‌زیست الگویی است که در پی ناکارآمدی ساز و کارهای پیشین توسعه محیط‌زیستی از سوی کشورهای توسعه یافته و مجامع بین‌المللی ارائه شده است. چراکه بسیاری از مردم از توانایی دولت برای رفع مشکلات این حوزه ناامید شده‌اند و این امر موجب تجدید نظر در پندارینه‌های سنتی مدیریت در حوزه محیط‌زیست شده است. در الگوی مورد نظر، دولت باید ثبات و پایداری را در محیط‌زیست ایجاد، چارچوب‌های قانونی مناسب و اثربخش برای فعالیت بخش عمومی و خصوصی را مستقر، ثبات و امنیت و عدالت را در محیط‌زیست فراهم ساخته و با کاهش نقش تصدی‌گری و روی آوردن به نقش حمایتی در چنین شرایطی، اداره محیط‌زیست را از روش مدیریت عمومی به روش حکمرانی عمومی تغییر دهد. حکمرانی محیط‌زیستی با سازکارهایی همچون همکاری‌های سیاسی بین دولت-ملت، تنظیم چارچوب‌های پاسخگویی دولت و نقش تمامی افراد در اداره امور مربوط به محیط‌زیست و همچنین تصمیم‌سازی با مردم، برای مردم و به وسیله مردم قابل تصور است. بنابراین مدیریت محیط‌زیستی که در گذشته تا به حال به عنوان ابزاری قوی برای حل مشکلات محیط‌زیستی فرض می‌شود، با بحران هویت مواجه شده است. برای حل این بحران، تئوری‌های بسیاری به عنوان جایگزین مدیریت محیط‌زیستی سنتی مطرح شده‌اند که در عصر حاضر حکمرانی محیط‌زیستی مقبول‌ترین آنها است.

در دهه گذشته انگاره (پارادایم) حکمرانی محیط‌زیستی به صورت پدیده‌ای جهان‌شمول در آمده و از یک کشور به کشور دیگر در حال گسترش است و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. حکمرانی محیط‌زیستی با انتخاب رویکردی ارزش‌مدارانه، به باز تعریفی از رابطه تعاملی بین نهادهای دولت، بخش خصوصی، محیط‌زیست و جامعه

مدنی می‌پردازد. حکمرانی محیط‌زیستی در بردارنده مردم سالاری محیط‌زیستی، عدالت محوری محیط‌زیستی، مشارکت محیط‌زیستی، اثربخشی و حاکمیت قانون و کنترل فساد محیط‌زیستی است. هریک از این مولفه‌ها با تأکید بر ارزش‌های بنیادین پیاده‌سازی الگوی حکمرانی محیط‌زیستی خوب را به عنوان راهی مفید و مثمر برای برون رفت از مسائل و مشکلات و تغییرات اساسی در ساختارها و فرایندهای عملیاتی دولت و تأمین انسجام و اتحاد اجتماعی و پیشبرد سیاست‌های اصلاحی و توسعه محیط‌زیستی مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

مقوله حکمرانی محیط‌زیستی در جمهوری اسلامی ایران نیز کم و بیش از روند تغییر و تحولات جهانی بی‌نصیب نخواهد ماند، زیرا نهادهای اجتماعی-قانونی عهده‌دار مسئولیت‌های اداره امور کشور، همانند دیگر جوامع، در معرض نقادی صاحب‌نظران داخلی و خارجی قرار خواهند گرفت. شاید بتوان اینگونه ادعا کرد که ریشه بیشتر موانع و مشکلات به وجود آمده در امر توسعه نیافتگی کشور جمهوری اسلامی ایران با کارکرد نظام حاکمیت و سایر دستگاه‌های اجرایی مرتبط با محیط‌زیست است. همچنین نقش و اندازه دولت در برخی از امور محیط‌زیستی در حیطه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، خدماتی و زیربنایی، بزرگتر از حد معمول بوده و همین امر سبب شده تا نقش نظارتی و حاکمیتی محیط‌زیستی دولت تحت شعاع تصدی‌گری قرار گیرد و با این حجم عظیم از فعالیت‌ها، دولت در مواردی حتی از وظایف اصلی خود نیز باز می‌ماند.

با مفروض دانستن بی‌طرفی سازمان‌های بین‌المللی و گزارش‌های آنها درباره میزان تطابق شاخص‌های حکمرانی محیط‌زیستی خوب در مورد جمهوری اسلامی ایران، باید به این نکته اشاره شود که موقعیت حکمرانی محیط‌زیست در کشور ما و به طور کلی حوزه محیط‌زیستی نامطلوب ارزیابی شده است.

با توجه به تعریف و در نظر گرفتن زمینه و بستر شکل‌گیری این مفهوم، می‌توان مدعی شد که حکمرانی محیط‌زیستی الگویی برای به کارگیری بهتر اختیار به منظور استفاده از حداکثر توان موجود در جامعه با نیت دستیابی به هدف‌های توسعه پایدار در این حوزه است. به عبارت دیگر، حکمرانی محیط‌زیست سبک و مدلی از حکمرانی است که به نتایج اجتماعی و اقتصادی مطلوب مورد درخواست شهروندان منجر شده و از طرف دیگر محیط‌زیست پایدار را به ارمغان خواهد آورد.

در پایان باید به این نکته توجه داشت که حکمرانی خوب پدیده‌ای نوظهور است که در حال حاضر در کشور ایران و سایر کشورها مورد توجه قرار گرفته است. با این حال و بر اساس مطالعات صورت گرفته تاکنون تلاش‌های محدود و معدودی برای شناساندن این موضوع مهم در کشور صورت گرفته است. بنابراین هرگونه تلاش برای جمع‌آوری اطلاعات و مبانی نظری و بومی‌سازی آن، می‌تواند کمک مهمی به غنا و تکمیل این مهم باشد.